

امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی (شاخص‌های پیونددهنده)

روح‌الله رهامی*

استادیار، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۹)

چکیده

مفهوم نوین امنیت انسانی در سال‌های اخیر همزمان با موج گرایش دولت‌ها به اتخاذ استراتژی‌های جدید در راستای توسعه پایدار و به‌صراحت با گزارش سال ۱۹۹۴ مرکز توسعه سازمان ملل متحد به جامعه جهانی معرفی شد که در هفت بُعد خود (اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، فردی، اجتماعی و سیاسی) سیاست‌های کلی دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داد. در مباحث جامعه‌شناختی نیز هم‌زمان، با معرفی سرمایه اجتماعی، منبعی نوظهور و تأثیرگذار بر رفتار کنشگران در جامعه شناسایی شد که با اصلی‌ترین مؤلفه‌های خود یعنی اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی نقش مؤثری بر عملکرد و فعالیت افراد جامعه در عرصه‌های گوناگون ایفا می‌کند. با توجه به رابطه فعال و بی‌تردید این دو مفهوم در حوزه علوم انسانی و با عنایت به تمرکز پارادایم امنیت انسانی بر تأمین امنیت افراد که کنشگران اصلی عرصه اجتماع می‌باشند، در هفت بُعد از تهدیدها، آثار متقابل امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی در عرصه اجتماع در ساحت‌هایی مانند همبستگی و امنیت اجتماعی، سلامت روانی و امنیت فردی، محیط زیست، مشارکت و امنیت سیاسی، جرم و حمایت‌های کیفری، اعتماد و حس امنیت قابل مطالعه است.

کلیدواژگان

امنیت انسانی، سرمایه اجتماعی، سلامت روانی، محیط زیست، مشارکت.

مقدمه

پارادایم امنیت انسانی، بنیان تحلیلی نوین و اثرگذار بر سیاست‌های کلان دولت‌ها در عرصه امنیت ملی و بین‌المللی در عصر حاضر است که در دهه‌های اخیر جایگاه خود را در فرایند قانون‌گذاری دولت‌ها به‌ویژه جوامع در حال گذار باز کرده است. بر خلاف مکاتب سنتی امنیت که بر دولت‌ها تمرکز می‌کرد، مرکز ثقل آن امنیت فردمحور و انسانی است و در هفت بُعد خود یعنی امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، فردی، اجتماعی و سیاسی، در نظریه‌های نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران سیاسی و حقوقی بررسی می‌شود.

در عین حال، سرمایه اجتماعی نیز، مفهومی بنیادی در عرصه روابط اجتماعی و معیار مؤثر تحلیل در رفتار کنشگران جوامع ملی و داخلی است. این مفهوم نیز در دهه‌های اخیر مورد توجه خاص اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی شده است که البته به دلیل تأثیرگذاری قطعی آن بر روابط افراد در جامعه و در نتیجه، بر شاخص‌های دیگر علوم انسانی، نقش و اثرگذاری آن و البته معیارها و شاخص‌های آن از جمله اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی، همواره مورد تحلیل نظریه‌پردازان و اندیشمندان دیگر رشته‌های علوم انسانی بوده است.

به دلیل جایگاه ویژه این دو مفهوم در حوزه متون نظری و پژوهش‌های علوم انسانی، بررسی تأثیرگذاری متقابل آن‌ها بر یکدیگر اهمیت خاصی دارد. البته بررسی و تحلیل مبانی، و نقش و ارتباط این دو مفهوم با عناصری از جمله «فرد و اجتماع» و «جامعه داخلی و بین‌المللی» در قالب پژوهشی دیگر از نویسندگان مقاله حاضر با عنوان «امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی: نسبت‌شناسی مفهومی» پیش از این ارائه گردیده است و در این مقاله سعی بر بررسی و تحلیل روابط تأثیرگذار هریک بر دیگری و شاخص‌های پیونددهنده این مفاهیم با توجه به ابعاد و مؤلفه‌های هریک در حوزه‌های همبستگی و امنیت اجتماعی^۱، امنیت فردی و سلامت روانی^۲، محیط زیست، مشارکت و امنیت سیاسی، جرم و حمایت‌های کیفری، اعتماد و حس امنیت است.

-
1. Societal security
 2. Mental health

شایان توضیح است در زمینه مفاهیم امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی در متون نظری رشته‌های علوم انسانی سخن فراوان گفته شده است و کتب و مقالات بسیاری در تبیین و تحلیل شاخصه‌ها و مؤلفه‌های هر دو به رشته تحریر درآمده است. اندیشمندان بسیاری مانند رورسون در کتاب *امنیت انسانی در جهان بدون مرز*^۱، فارلین در کتاب *امنیت انسانی و سازمان ملل متحد*^۲ و شهربانو تاجبخش در کتاب *امنیت انسانی: ابعاد و مفاهیم توسط شهربانو تاجبخش*^۳ در حوزه امنیت انسانی به بررسی تعریف‌ها و ابعاد هفت‌گانه آن پرداخته‌اند. همچنین، در رابطه با مفهوم سرمایه اجتماعی نیز، اندیشمندان بزرگ حوزه علوم اجتماعی مانند بوردیو^۴ در کتاب *نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، فوکویاما در کتاب *اعتماد: فضیلت‌های اجتماعی و ایجاد رونق*^۵، پاتنام^۶ در کتاب *دموکراسی و سنت‌های مدنی* و کلمن در کتاب *بنیان‌های نظریه سرمایه*^۷ در این زمینه سخن گفته‌اند. با بررسی‌ها و مطالعات اخیر در این دو حوزه مهم علوم انسانی، هیچ‌گونه سابقه علمی ویژه در کتاب‌ها و مقالات علمی معتبر فارسی و انگلیسی که به‌صراحت با رویکرد مطالعه شاخص‌های پیونددهنده این دو عنصر بر یکدیگر و نحوه تأثیرگذاری هر دو در مؤلفه‌های مورد شناسایی باشد، مشاهده نشد و می‌توان گفت این مقاله از نظر تبیین و تحلیل روابط متقابل شاخصه‌های این دو مفهوم نوظهور پیشرو است.

مبانی نظری

در این بخش از پژوهش، صرفاً به بیانی مختصر از مفاهیم امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی در دیدگاه اندیشمندان و نویسندگان برجسته این دو حوزه و شناسایی ابعاد آنها پرداخته می‌شود.

1. Human Security in a Borderless World by Derek S. Reveron and Kathleen A. Mahoney-Norris
2. Human Security and the UN by S. MacFarlane
3. Human Security: Concepts and Implications by Shahrbanou Tadjbaksh
4. Bourdieu
5. Trust: the social virtues and the creation of prosperity by Fukuyama, Francis
6. Putnam
7. Foundations of social theory by Coleman, James

امنیت انسانی

امنیت انسانی مفهومی نوین است که با گزارش سال ۱۹۹۴ مرکز توسعه سازمان ملل متحد و با پیروی از سیر تحول در نظریه‌های امنیتی و با ارائه رویکرد اجتماعی جایگزین امنیت نظامی و به دنیای معاصر معرفی شد (رهامی، ۱۳۹۳، ص ۷۵)، هدف اصلی و محور امنیت انسانی، حفظ و حراست و توسعه امنیت برای آحاد افراد انسانی فارغ از اوصاف آن‌ها است.

با مطرح شدن پارادایم امنیت انسانی، تحولی در عرصه استراتژی و سیاست‌های دولت‌ها نیز صورت گرفت و امنیتی که تا قبل از آن دولت‌محور و بر پایه ابعاد نظامی بود، فردمحور تلقی شد و در هفت بُعد شناسایی شده طبق تعریف گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ مرکز ملل متحد، یعنی امنیت اقتصادی، بهداشتی، غذایی، زیست‌محیطی، فردی، اجتماعی و سیاسی، تحلیل و تبیین و هدف اصلی استراتژی دولت‌ها در راستای توسعه پایدار قرار گرفت و بر خلاف تحلیل‌های سابق امنیتی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، اجتماعی و فردی، سطح فردی امنیت مورد توجه ویژه قرار گرفت (رهامی، ۱۳۹۳، ص ۸۵).

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهومی نوین و جامعه‌شناختی است که به دلیل اهمیت و جایگاه عملکردی خود و تأثیر آن در دیگر حوزه‌های علوم انسانی در عصر حاضر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم در نظریه‌های اندیشمندان و نظریه‌پردازان این حوزه تعریف واحدی ندارد و تعبیر مختلفی دارد. بیکر سرمایه اجتماعی را به این شرح تعریف می‌کند: «منبعی که کنشگران از ساختار اجتماعی خاص استخراج می‌کنند و سپس از آن در راستای اهداف خود استفاده می‌کنند؛ و این منبع با تغییرات در روابط میان کنشگران ایجاد می‌شود» (Baker, 1990, p.619). پورترز نیز سرمایه اجتماعی را «توانایی کنشگران برای تأمین مزایایی می‌داند که به موجب عضویت در شبکه‌های اجتماعی یا سایر ساختارهای اجتماعی برای آن ایجاد می‌شود»، می‌داند (Portes, 1998, p.6). پاتنام دیگر اندیشمند علوم اجتماعی، معتقد است سرمایه اجتماعی در واقع «از ویژگی‌های سازمان‌های اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی است که همکاری و هماهنگی را برای دریافت سود دوجانبه تسهیل می‌کند (بورقانی فراهانی، ۱۳۹۱، ص ۱۴). سرمایه اجتماعی در

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ (OECD) نیز به این شرح تعریف شده است: «شبکه‌هایی که به همراه یکدیگر هنجارها، ارزش‌ها و یافته‌هایی را که به تسهیل روابط در چارچوب گروه‌ها می‌شود، تسهیم می‌کند». در این تعریف می‌توان این دیدگاه را که شبکه‌ها به‌عنوان خطوط ارتباطی واقعی میان گروه‌ها یا افراد هستند، دریافت (Putnam, 1995, p.67). البته هر یک از این تعریف‌ها و تعبیر از سرمایه اجتماعی باید در جایگاه مورد بررسی و استنادی خود، به صورت ویژه و خاص مورد مطالعه قرار گیرد.

با تدقیق در این تعریف‌ها می‌توان بیان کرد سرمایه اجتماعی منبع ذاتی آن دسته از روابط اجتماعی تعریف می‌شود که فعالیت‌های جمعی را تسهیل می‌کند. منابع سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی است که برای هدف مشترکی ایجاد شده‌اند. هنجارها در هر فرهنگی که در درجه اول اهمیت در میزان سرمایه اجتماعی باشند، به تشویق چانه‌زنی، مصالحه و سیاست‌های پلورالیسم منجر می‌شوند. البته ارزش‌ها و هنجارها تا زمانی که نقض و شکسته نشوند، آشکار نمی‌شوند. برای مثال زمانی که کودکی توسط بزرگسال مورد حمله قرار می‌گیرد، هنجار حمایت از کودکان از کودکان از آسیب نقض شده است. به همین دلیل، جوامع نسبت به شناسایی و بررسی ارزش‌های خود از جمله حفظ ایمنی و امنیت افراد جامعه خود که جزء ارزش‌های بنیادین هر جامعه است، تلاش می‌کنند.

در زمینه اهمیت نظریه سرمایه اجتماعی نیز در آثار بسیاری از نویسندگان و مطالعات تجربی آن‌ها سخن فراوان گفته شده است. آدام تصریح می‌کند: «علی‌رغم مشکلات در تعریف سرمایه اجتماعی و همچنین کاربرد آن و با توجه به هویت استعاری آن، سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از تحقیقات تجربی بسیار مهم و بحث‌های نظری را که باعث بازتعریف اهمیت روابط انسانی، شبکه‌ها، اشکال سازمانی در راستای کیفیت زندگی و پیشرفت عملکرد می‌شود، تسهیل می‌کند (Adam & Borut., 2003, p.177).

شاخص‌های پیونددهنده (نسبت‌شناسی عملی)

با توجه به اینکه پارادایم امنیت انسانی در پی تأمین امنیت افراد انسانی است و بر هفت بُعد از تهدیدها، یعنی ابعاد فردی، بهداشتی، اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی، اقتصادی و غذایی متمرکز است و حوزه مطالعه این نوشتار، صرفاً حوزه اجتماعی است و حوزه اقتصادی را شامل نمی‌شود، آثار متقابل امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی در عرصه اجتماع با توجه به بررسی و تحلیل ابعاد هفت‌گانه امنیت انسانی و سه شاخصه اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی در شش حوزه انتخابی نگارنده که در آن‌ها پیوند این مفاهیم واضح است، یعنی همبستگی و امنیت اجتماعی، سلامت روانی و امنیت فردی، محیط زیست، مشارکت و امنیت سیاسی، جرم و حمایت‌های کیفری، اعتماد و حس امنیت بررسی می‌شود.

همبستگی و امنیت اجتماعی

یکی از ابعاد امنیت انسانی، امنیت اجتماعی است که به معنای تدارک سلامت افراد جامعه و تأمین امنیت مادی و معنوی، و جلوگیری از تهدیدهای هویتی و قومی، و اقدامات خشونت‌آمیز و رفع دغدغه‌های ذهنی و به‌طور کلی به معنای از بین بردن احساس عدم امنیت شهروندان است. امنیت اجتماعی در خود، مفهومی از «همبستگی گروهی» را شامل می‌شود و برای اولین بار توسط دانشمندانی چون باری بوزان^۱، الی ویور^۲ و لمیتر^۳ در مکتب کپنهاگ در سال ۱۹۹۳ مطرح شد. در واقع، این مفهوم با گسترش موج تهدیدها علیه گروه‌ها و هویت آنان، هم‌زمان با رشد فناوری‌های نوین و صنعت جدید شکل گرفت. همچنین، شروع و گسترش مهاجرت از کشورهای فقیر در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته، خود باعث تهدید علیه تبارهای قومی و هویتی شد. مقوله امنیت اجتماعی، چون در زمینه تهدید ارزش‌های اساسی مانند انسجام اجتماعی، تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی است و طی آن «ما» و هویتی مورد تهدید و حمله واقع می‌شود، از جمله مقولات

1. Barry Buzan
2. Ole Waever
3. Lemaiter

بسیار مهم و ابعاد هفت‌گانه امنیت انسانی محسوب می‌شود. اگر موضوعات مهم زندگی مانند کار، درآمد، آبرو، اعتبار و روابط اجتماعی مورد تهدید جدی قرار گیرند، رشد و پویایی آن جامعه به سمت تعالی دچار زوال می‌شود. بنابراین، مفهوم امنیت اجتماعی ناظر بر تأمین مصونیت گروه‌های مختلف اجتماعی با حفظ هویت گروهی و اجتماعی‌شان در مقابل اقدامات خشونت‌آمیز و رفع نگرانی‌ها و آشوب‌های ذهنی آنان، مبنی بر حس عدم امنیت است. احساس تعلق افراد به جامعه و همبستگی گروهی در گروه‌های مختلف جمعیتی (زنان، جوانان، اقلیت‌ها و اقوام مختلف) حوزه می‌تواند باعث سلامت و هویت جامعه مستقل و امنیت آن جامعه شود. مرجع امنیت در امنیت اجتماعی، گروه است برخلاف امنیت ملی که در معنای دقیق خود مرجع آن کشور و ارکان تشکیل‌دهنده آن یعنی ملت، سرزمین و حاکمیت است و وظیفه تأمین و حفظ آن با دولت است. عناصر اصلی به‌خطرافتادن حس امنیت گروهی را، می‌توان در فقر اقتصادی، فساد و فحشا، بی‌اعتمادی، هویت‌خواهی، تبعیض در نظام تأمین اجتماعی، جنایات سازمان‌یافته، مسائل زنان، بیماری‌ها و اختلافات روانی جست‌وجو کرد.

همبستگی گروهی و امنیت اجتماعی، مؤلفه‌هایی مانند انسجام گروهی، نظم عمومی، سلامت و مهارت افراد، امید به زندگی و امنیت هویت دارند که در زمینه این عوامل، با توجه به شاخصه‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، می‌توان دریافت میزان همبستگی گروهی و درجه انسجام، در میزان تأثیر هنجارها بر رفتار گروهی و قاعده‌مندی رفتاری میان افراد گروه در سنجش میزان سرمایه اجتماعی نقش عمده و مهمی دارد. بنابراین، اکنون می‌توان رابطه میان همبستگی گروه (امنیت اجتماعی) و سرمایه اجتماعی و نقش هر یک بر دیگری را بررسی کرد. هنجارها از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی بوده که علاوه بر اعمال نفوذ و کنترل بر افراد، در فرایند جامعه‌پذیری و هویت گروهی افراد در جامعه نقش اصلی ایفا می‌کنند. همچنین، عنصر اعتماد در سرمایه اجتماعی، در روابط متقابل میان افراد جامعه و تقویت قاعده‌مندی رفتار و حس تعلق به گروه و انتظام اجتماعی اهمیت دارد. بدین ترتیب می‌توان دریافت، سرمایه اجتماعی به‌طور هم‌زمان علاوه بر تقویت معنا برای افراد در زندگی اجتماعی، موجب تقویت مشارکت فعالانه ایشان در زندگی اجتماعی می‌شود و به‌طور کلی به قاعده‌مندی و نظم اجتماعی در گروه‌ها می‌انجامد (باقری‌زنور و علمی، ۱۳۸۸،

ص ۲۵۰). بنابراین، سرمایه اجتماعی علاوه بر اینکه خود متأثر از میزان همبستگی گروه و حس امنیت اجتماعی است و بر عناصری مانند اعتماد و هنجار به حمایت و تقویت نهادهای اجتماعی و عملکرد صحیح، صادقانه و عادلانه آنها نقش عمده ای ایفا می کند، نهادهای اجتماعی نیز در تقویت اعتماد و هنجارها که از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی هستند، تأثیر بسزایی دارند و در نتیجه، می توان از ارتباط متقابل سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی سخن گفت. در واقع، سرمایه اجتماعی از سویی با کمک به رشد همبستگی گروهی به ارتقای سطح امنیت انسانی در جامعه و حفظ نقش گروهی و هویت در آن کمک می کند و با بالا بردن حس تعلق به گروه و امنیت در اجتماعات، خود به افزایش میزان امنیت اجتماعی و در نتیجه، امنیت انسانی منجر می شود. از سوی دیگر، پیشبرد و ارتقای امنیت انسانی در حوزه امنیت اجتماعی و همبستگی گروهی در جامعه، خود به افزایش شاخصه کیفی سرمایه اجتماعی در آن جامعه و بالا بردن حس اعتماد و تقویت هنجارهای مورد قبول گروه های جامعه منجر می شود.

امنیت فردی و سلامت روانی

طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، سلامت روانی به معنای قابلیت توازن و هماهنگی با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی، اجتماعی، حل تضادها و تمایلهای شخصی به طور منطقی، عادلانه و مناسب است (WHO, 2017). بخشی از این عوامل مربوط به کیفیت روابط با دیگران، گروه ها و نهادهای غیررسمی است و بدین ترتیب، نوع نگرش و باورها درباره زندگی و جامعه و نیز تعهدات، در ویژگی و شاخصه های زندگی فردی و اجتماعی انسان ها و میزان سلامت روانی افراد اهمیت دارد. کارشناسان بهداشت جهانی از بهداشت روانی به سلامت روان و فکر تعبیر کرده اند و می گویند: «سلامت فکر عبارت است از قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی، عادلانه و مناسب» (WHO, 2017). همچنین، سلامت روانی افراد، متأثر از عوامل متعددی است که می توان به عواملی مانند برآورده نشدن نیازهای اولیه، ناکامی، استرس، یادگیری، مسائل اجتماعی و رسانه های جمعی اشاره کرد. موضوع سلامت روانی افراد جامعه در کنار پیشرفت های علمی و صنعتی جوامع اهمیت فوق العاده ای دارد، زیرا هم با فرد و هم با اجتماع و حیات اجتماعی افراد ارتباط مستقیم

دارد و شاید بتوان امنیت روانی را از مهم‌ترین عوامل زندگی سالم هر انسانی دانست که متأسفانه با رشد و توسعه نامتوازن و در نتیجه، آسیب‌زای جوامع، دچار تهدیدات و آسیب‌های زیاد می‌شود. یکی از شرایط لازم برای دستیابی به سلامت روان، برخورداری از یک نظام ارزشی منسجم است. در واقع، خودشناسی و دستیابی به حس مفیدبودن در اجتماع، از عوامل سنجش سلامت روانی افراد و ارتقای سطح امنیت انسانی است.

با توجه به مؤلفه‌های سلامت روانی و ابعاد امنیت انسانی، این دو مفهوم روابط متقابل و تأثیرگذار با یکدیگر دارند. در این زمینه، می‌توان به نقش و تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت روانی افراد جامعه و امنیت فردی اشاره کرد. بنا بر نتایج آزمون‌های آماری، بین متغیرهای مختلف سلامت روانی در پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی، رابطه مثبت و معناداری میان دو عامل سلامت روانی و سرمایه اجتماعی وجود دارد: به عبارت دیگر، هر قدر سرمایه اجتماعی فرد افزایش یابد، به میزان سلامت روانی وی و حس امنیت وی افزوده می‌شود (سلطانی و جمالی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹).

سرمایه‌های روان‌شناختی تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از چهار عنصر خودکارآمدی، تاب‌آوری، خوش‌بینی و امیدواری. خودکارآمدی یا همان اعتماد به نفس و باور فرد به توانایی‌هایش برای دستیابی به موفقیت در انجام‌دادن وظیفه‌ای معین، از راه ایجاد انگیزه درباره تأمین منابع شناختی برای خود است. افراد خودکارآمد، ویژگی‌های مشخصی از جمله مخاطره‌پذیری، انگیزه بالا، و تلاش و پشتکار برای رسیدن به اهداف دارند که این مؤلفه تحت تأثیر عواملی مانند باور دیگران به توانایی فرد نیز هستند. عنصر دوم تاب‌آوری است که در واقع، توانایی فرد برای مقابله با ناکامی‌ها و مصیبت‌ها، حتی رویدادهای مثبت و پیشرفت‌هاست. افرادی که تاب‌آوری بالایی دارند، در زمان بروز چنین هیجان‌آلود عملکردها دچار اختلال نمی‌شود و مهارت و نگرش مورد نیاز را دارند. خوش‌بینی، عنصر سوم روان‌شناختی مؤثر بر سرمایه اجتماعی بوده و بدین مفهوم است که فرد توانایی ارزیابی و تحلیل واقعی آنچه را به دست خواهد آورد، در مقابل آنچه به دست نمی‌آورد، دارد و همچنین، توانایی قدرشناسی، به‌کارگیری و بهره‌گرفتن از آنچه را به دست می‌آورد، در مقابل آنچه قادر به کسب آن نیست، داراست. این عنصر نقش مهمی در ارتقای

کارآمدی فردی و سلامت روانی وی دارد. امیدواری نیز حالت انگیزشی مثبتی است که از دو جزء عاملیت و برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف برخوردار است و مستلزم داشتن اراده‌ای قوی برای نیل به اهداف و موقعیت است (امیرخانی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۹۹-۹۸).

با تبیین ابعاد سلامت روانی، می‌توان دریافت هر چه افراد از بُعد روان‌شناختی بیشتر از روحیه‌های یادشده برخوردار باشند، از بُعد اجتماعی میزان تعاملات گروهی و مشارکت اجتماعی آنان بالا می‌رود و باعث پیوند و تداوم و تکرار تعاملات می‌شود. در نتیجه، به رشد سرمایه اجتماعی منتهی می‌شود. از سوی دیگر، رشد و افزایش سرمایه اجتماعی نیز تأثیر مستقیم و شایان توجهی بر سلامت روانی به‌ویژه شاخصه‌های فردی و حس امنیت در افراد جامعه می‌گذارد. افراد با احساس تعلق خود به گروه‌ها در جامعه و سرمایه اجتماعی فزاینده، از سلامت روانی بیشتر و به تبع آن جامعه از امنیت بیشتری برخوردار می‌شود. زیرا یکی از مؤلفه‌های امنیت انسانی، امنیت فردی است که با حس امنیت و سلامت روانی افراد در جامعه رابطه مستقیم دارد. بنابراین، سرمایه اجتماعی و سلامت روانی (امنیت فردی) روابط متقابل و تأثیرگذاری بر یکدیگر دارند و به تبع آن در تأمین امنیت انسانی دارند.

محیط زیست

در روند زندگی معاصر در دنیای مدرن، حیات انسان‌ها از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد و کیفیت زندگی نیز در چندین بُعد سنجش و ارزیابی می‌شود، از جمله کیفیت محیطی، روانی، اجتماعی، فیزیکی، جسمی و روحی و همچنین، یکی از مهم‌ترین ابعاد که بر حیات و همچنین، کیفیت زندگی بشر تأثیر می‌گذارد، محیط زیست است که بدون توجه به آن، نمی‌توان ارزیابی دقیقی از سطح کیفیت زندگی افراد در جوامع داشت. متأسفانه امروزه، محیط‌زیست با توسعه ناپایدار و نامتوازن جوامع، بسیار آسیب‌پذیر شده، و در معرض مخاطرات و تهدیدات بسیاری است. مسائل زیست‌محیطی به‌ویژه «تغییرات آب و هوایی» و گرمایش کره زمین از عمده‌ترین و مهم‌ترین مسائل آن است که بسته به نوع و توسعه جوامع، فرهنگ برخورد با آن متفاوت است. از جمله مسائلی که می‌تواند بر رفتارهای زیست‌محیطی در جوامع گوناگون تأثیرگذار باشد، میزان سرمایه اجتماعی

است که در این مبحث می‌کوشیم به اختصار نحوه تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر امنیت زیست‌محیطی که یکی از ابعاد امنیت انسانی است و همین‌طور محیط زیست سالم و امن را بر افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی ارزیابی کنیم. همان‌طور که از پژوهش‌های اخیر پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و محیط زیست و حقوق در سال‌های اخیر برمی‌آید، این دو مقوله تأثیر متقابل و معناداری نسبت به یکدیگر دارند (گیدنز^۱، ۱۳۹۴). در واقع، از سویی میزان توجه به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجار و شبکه‌های اجتماعی با سلامت محیط زیست رابطه مستقیم و مثبتی دارد، و از سوی دیگر، میزان سلامت محیط زیست و محیط امن برای افراد اجتماع از جهت زندگی و بهداشت زیست‌محیطی نیز، تأثیر قابل توجهی در رشد و ارتقای پیوندهای گروهی و اجتماع و بالارفتن سرمایه اجتماعی دارد (تونکیس و لزلی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷). با اینکه مسئله محیط زیست یکی از دغدغه‌های جوامع داخلی و بین‌المللی بوده و در راستای آن برای جلوگیری از تخریب محیط زیست، از اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) و پروتکل کیوتو (۱۹۹۷) و کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ تا کنون کنفرانس‌های متعددی برگزار و مطالعات مختلفی انجام گرفته و کنوانسیون‌های متعددی منعقد شده است، با توجه به این اسناد، مشاهده می‌شود که نبود سیاست‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های دقیق در این زمینه، در طی سالیان یکی از دلایل اصلی تخریب محیط زیست بوده است، در حالی که با برنامه‌ریزی در جهت افزایش سرمایه اجتماعی و اتخاذ خط‌مشی و اصول در گروه‌های مختلف اجتماعی از طریق هنجارها، درون شبکه‌های اجتماعی منسجم و با وجود اعتماد میان اعضای گروه می‌توان فعالیت‌های بشری را داخل جوامع، در راستای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست و حفظ آن پیش‌برد و تقویت کرد (تونکیس و لزلی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰-۱۵۹). در واقع، می‌توان گفت، حتی با افزایش سرمایه اجتماعی و همکاری‌های درون‌گروهی، هزینه کمتری نسبت به دستیابی اهداف جوامع برای حفظ محیط زیست مورد نیاز است، زیرا از طریق تقویت اعتماد درون‌گروهی و ساختارها و ارائه هنجارهای بازدارنده می‌توان به این هدف دست یافت.

امروزه به سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی برای حفاظت از محیط زیست توجه ویژه‌ای می‌شود. افراد هر اجتماعی با توجه به میزان احساس، تمایلات و آمادگی‌های خود، کنش‌های مختلفی را نسبت به مسئولیت ویژه خود برای ایجاد و حفظ محیط زیست سالم دارند. هر چه میزان مسئولیت افراد داخل گروه‌های خود، بنا به اعتمادی که نسبت به اعضای گروه و جامعه دارند و نیز با توجه به قواعد داخل گروه بالا رود، احتمال مسئولیت آن‌ها در قبال حفظ محیط زیست و رفتار مسئولانه‌شان در قبال آن نیز بالا می‌رود. با توجه به اینکه امنیت زیست‌محیطی، خود یکی از شاخص‌های امنیت انسانی است، بنابراین، افزایش سرمایه اجتماعی و رفتار مسئولانه در قبال محیط‌زیست، در نهایت، به ارتقای سطح امنیت انسانی در جامعه منجر می‌شود.

باید توجه کرد تأثیر سرمایه اجتماعی بر تأمین امنیت زیست‌محیطی، یک‌سویه نیست، بدین معنا که حضور در محیط زیست سالم و جامعه‌ای که کمتر تخریب زیست‌محیطی داشته باشد، خود انگیزه‌ای برای حضور مستمر افراد در گروه‌های داخل جامعه و روابط بین آن‌ها است و در نتیجه، می‌توان بیان کرد امنیت زیست‌محیطی یکی از عوامل افزایش سرمایه اجتماعی در جوامع است. معمولاً کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که از نظر زیست‌محیطی در درجه پایین‌تری نسبت به جوامع دیگر قرار دارند، با مقوله مهاجرت افراد جامعه به سمت جوامع دارای امنیت زیست‌محیطی بالاتر مواجهند. برای نمونه، تمایل افراد برای زندگی در محیطی که از نظر آلودگی هوا در سطح بالایی قرار دارد، یا با تخریب سفره‌های آب زیرزمینی در شرایط هشدار قرار گرفته است، بسیار کم و اغلب در فکر برون‌رفت یا مهاجرت از چنین محیط‌زیستی به محیط زیست سالم‌ترند و در نتیجه، حس وابستگی به گروه‌های داخل جامعه، به تدریج میان افراد چنین جامعه‌ای کمرنگ‌تر خواهد شد. بنابراین، علاوه بر اینکه حفظ محیط زیست سالم و امن با تلاش‌های هم‌دلانه افراد و ساکنین می‌تواند در تحکیم سرمایه اجتماعی مؤثر باشد، داشتن محیط زیست سالم و امن نیز، خود از عوامل مؤثر برای تشکیل سطح اتحاد و هنجار بین گروه‌ها و جوامع محلی و ملی است و در ایجاد حس امنیت برای تداوم حضور در گروه و کمک به ارتقای سطح آن نقش قابل توجهی دارد. بنابراین، از این نظر نیز محیط زیست و امنیت زیست‌محیطی که یکی از ابعاد و شاخصه‌های امنیت انسانی است، بر افزایش سرمایه اجتماعی تأثیر بسزایی می‌گذارد و تخریب

محیط زیست از دیگر سو می‌تواند به کاهش سرمایه اجتماعی (برای مثال از طریق مهاجرت افراد و جابه‌جایی و انتقال اجباری، حتی در شکل وسیع و حتی جنگ) منجر شود. بنابراین، می‌توان گفت در ارتباط با عنصر محیط زیست، دو عامل سرمایه اجتماعی و امنیت انسانی تأثیر متقابلی نسبت به یکدیگر دارند و رشد و ارتقای سهم هر یک در بالابردن و افزایش سطح دیگری در جامعه بسیار اهمیت دارد.

مشارکت و امنیت سیاسی

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، سرمایه اجتماعی به‌عنوان جنبه مهمی از روابط میان افراد، سهمی قابل توجه در افزایش و تقویت پیوندهای اجتماعی دارد، به این مفهوم که با ایجاد انگیزه، اطلاعات و مهارت‌های لازم در قالب هنجارهای درون‌شبکه‌ای و نیز تقویت عنصر اعتماد، باعث ایجاد فرهنگی مشارکتی در میان اعضای گروه می‌شود. اعضای هر گروه اجتماعی معمولاً با توجه به اهداف و سیاست‌های خاص آن گروه، هنجارها و ارزش‌های مشترک دارند که می‌تواند به ارتقای سطح مشارکت در میان اعضای گروه منجر شود. سرمایه اجتماعی آن‌گونه که پاتنام معتقد است، پیوندهای ارتباطی، ساختارهای شناختی و اتحاد اجتماعی ناشی از آن، روح همکاری، یکپارچگی و انسجام را در میان شهروندان تزیق می‌کند (پاتنام، ۱۳۹۲، ص ۳۱۳-۲۹۵) و در نتیجه با افزایش و بهبود عملکرد خود موجب ایجاد اعتماد متقابل و حقانیت درون جامعه می‌شود و از آن طریق، موجب تقویت انسجام و نزدیک شدن عقاید می‌شود.

با این بیان، می‌توان گفت افزایش سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف، به تقویت روح مشارکت در افراد گروه از طریق اتخاذ رفتارهای مشترک منجر می‌شود. جامعه‌ای که در آن، افراد خود را مسئول وقایع سیاسی و اجتماعی موجود می‌دانند و به دنبال کسب اهداف مشترک در عین تفاوت عقاید می‌باشند، جامعه‌ای است که می‌تواند از نظر سیاسی، امنیت محسوب شود. افراد در این جامعه، با به‌دست آوردن امکان کنترل فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه و خط‌مشی‌ها و اصول سیاسی، از حمایت‌های سیاسی شبکه‌های ارتباطی خود نیز، برخوردار می‌شوند و به‌عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی رسمی و غیررسمی، از آسیب‌های ناشی از روابط و فرهنگ سیاسی ناسالم، با افزایش سطح اعتماد و حمایت‌های سیاسی و اجتماعی درون گروه می‌کاهد و به بالابردن سطح

امنیت سیاسی و روحیه مشارکت میان اعضای گروه و به تبع آن، جامعه منجر می‌شود؛ جامعه‌ای که از سرمایه اجتماعی نسبتاً کمی برخوردار است، معمولاً افراد آن از حس تعلق کمتری نسبت به دولت و جامعه برخوردارند و بنابر این، سطح مشارکت کمتری در امور سیاسی جامعه خواهند داشت و قطعاً نقش افزایش سرمایه اجتماعی و روابط اجتماعی در هم تنیده و امن و هنجارهای مبتنی بر اصول صحیح مشارکتی و امن، در ایجاد فضای امن و قابل اعتماد برای حضور افراد جامعه و مشارکت آنان در سطح تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه، مؤثر و حائز اهمیت است.

ارتباط میان امنیت سیاسی، مشارکت سیاسی و سرمایه اجتماعی، ارتباطی دوسویه است. همان‌طور که در مطالعات اجتماعی فرهنگ مشارکتی افراد نیز، خود در ارتقای سرمایه اجتماعی مؤثر است. ولمن معتقد است در عصر حاضر، نوعی تشویش و نگرانی برای افراد وجود دارد که مبادا اجتماع آن‌ها را طرد کند و با تنهایی و بیگانگی مواجه شوند (توسلی و امانی، ۱۳۹۱، ص ۶۰). در واقع، افراد مشارکت‌کننده در وقایع سیاسی، معمولاً به دلیل ترس از طرد شدن از جامعه، به دنبال پایگاه امن در روابط معنادار اجتماعی در گروه‌های عضو می‌باشند، به این دلیل، در فضای امن سیاسی و مشارکتی، به افزایش سرمایه اجتماعی از طریق کسب اعتماد و ایجاد شبکه‌هایی از روابط درون‌گروهی، در راستای ایجاد هنجارها و ساختارهای کوچک می‌کوشند. جامعه‌ای که از نظر سیاسی مشارکت و امنیت سیاسی بیشتری داشته باشد، قاعدتاً دارای سرمایه اجتماعی فزاینده نیز، خواهد بود و خود این امر، به افزایش سطح علاقه افراد جامعه به عضویت در گروه‌های هم‌سو و ارتقای اعتماد و مشارکت و در نتیجه، ارتقای سرمایه اجتماعی یاری می‌رساند.

در نتیجه، در زمینه میزان مشارکت افراد در امور سیاسی جامعه خود، یکی از مؤلفه‌های سنجش امنیت سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد هفت‌گانه امنیت انسانی، می‌توان چنین گفت که هرچه میزان مشارکت سیاسی در جامعه بالا رود، میزان سرمایه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد؛ از سوی دیگر، با افزایش سرمایه اجتماعی در جوامع، میزان علاقه‌مندی و اعتماد افراد به مشارکت در اهداف سیاسی جامعه در فضای امن سیاسی نیز، ارتقا می‌یابد و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری دوسویه و متقابل سرمایه اجتماعی و امنیت انسانی، گویای ارتباط این دو مفهوم در این حوزه است.

جرم و حمایت‌های کیفری

جوامع انسانی از همان ابتدا با مسائل و آسیب‌های گوناگون اجتماعی، دست به‌گریبان بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زای اجتماعی، جرائم می‌باشند که حمایت از فرد و جامعه در این زمینه با ابزارهای کیفری صورت می‌پذیرد. در واقع، جرم علاوه بر آن که برهم‌زننده نظم و امنیت جامعه است، زمینه وارد آمدن آسیب‌های اجتماعی را در جامعه پدیدار می‌کند و حمایت‌های کیفری، تضمین‌کننده بقا، دوام، و سلامت جامعه است و در کنار این حمایت‌ها، سرمایه اجتماعی نیز، با حمایت از جامعه در برابر جرایم به افزایش امنیت انسانی یاری می‌رساند. سرمایه اجتماعی با تقویت پیوندهای اجتماعی، حس تعلق به جامعه و کاهش فشارهای روانی در ابعاد سه‌گانه خود، می‌تواند مانعی برای کاهش ارتکاب جرایم در هر جامعه‌ای باشد. افراد با عضویت در گروه‌های مختلف اجتماعی و برخورداری از شبکه روابط و اعتماد حاکم بر گروه، مورد حمایت قرار گرفته و از این طریق، سرمایه اجتماعی می‌تواند با حمایت از طبقاتی از جامعه که نیازمند این حمایت‌ها می‌باشند و بهره‌مندی از حمایت عاطفی و یا مالی گروه، از افراد و به تبع آن جامعه، نسبت به ارتکاب جرم بازدارندگی کند. وقتی فردی در جامعه حس تعلق و مورد احترام بودن داشته باشد، خود را به تبع آن عنصری اندیشمند و دارای تعهدات متقابل قلمداد می‌کند، این امر به کاهش آسیب‌های اجتماعی ایجادشده توسط فرد منجر می‌شود. وقتی در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد افراد جامعه از حمایت‌های عاطفی کمتری برخوردارند و خود را در جامعه تنها می‌یابند و صرفاً تعهدات یک‌سویه‌ای از طرف خود بر اجتماع بار می‌کند که این امر انزوای فرد را در پی دارد و منتهی به تمایل وی به جبران آن، از طریق اعمال جرم می‌شود. حضور افراد در شبکه‌های اجتماعی و ایجاد نوعی همبستگی اجتماعی، باعث برآورده شدن نیازهای آن‌ها از طریق گروه‌ها در ابعاد مختلف ابزاری، عاطفی و اطلاعاتی می‌شود که خود موج افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش جرائم و به تبع آن افزایش امنیت فردی و بالارفتن سطح امنیت جامعه می‌شود. این حمایت‌ها می‌تواند شامل حمایت اقوام و خویشاوندان، دوستان و همسایگان، گروه‌های مدنی، مذهبی یا فرهنگی یا هر گروه دیگری باشد که فرد عضو آن است و به آن حس تعلق دارد.

مطابق با نظریه کنترل اجتماعی هیرشی هم کنترل درونی و هم کنترل بیرونی مورد توجه قرار گرفته است. هیرشی^۱ با الهام از دورکیم^۲ معتقد است رفتار انحرافی، نتیجه ضعف پیوندهای فرد با جامعه عادی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۸۹). در نظریه هیرشی چهار عنصر برای پیوند فرد با جامعه یا دیگران بیان شده است (ایار و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰):

- دل بستگی به مفهوم توجه و حساسیت فرد نسبت به دیگران، دیدگاه‌ها و توقعاتشان؛
- تعهد به مفهوم میزان همراهی پاداش‌ها و مجازات‌های اجتماعی با رفتار هم‌نوا و نابهنجار فرد؛
- درگیر بودن به مفهوم وقتی که فرد در فعالیت‌های عادی صرف می‌کند؛
- باور داشتن به مفهوم میزان اعتبار هنجارهای اجتماعی برای فرد، و میزان درونی کردن هنجارهای اجتماعی.

هرچه میزان حضور در شبکه‌های اجتماعی و مشارکت در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی توسط افراد جامعه و استفاده از ظرفیت‌های روابط اجتماعی و گروه‌ها در جامعه افزایش یابد، بزهکاری در آن جامعه کاهش می‌یابد. در واقع، میزان سرمایه اجتماعی هر جامعه‌ای، نسبت مستقیم با حمایت آن جامعه از آسیب‌های اجتماعی و طبیعتاً نسبت معکوس با وقوع جرم و بزه در آن جامعه دارد. هر میزان سرمایه اجتماعی جامعه ارتقا یابد و در سطح بالاتری باشد میزان اعتماد و تعهد متقابل افراد به یکدیگر، بیشتر و هنجارها تقویت می‌شود و حس مسئولیت و تعهد افراد نسبت به اجرای هنجارها افزایش می‌یابد و در نتیجه، امنیت تک‌تک افراد جامعه در مقابل وقوع جرم و جنایت افزایش می‌یابد. در واقع، سرمایه اجتماعی با حمایت خود از افراد در برابر آسیب‌های اجتماعی، به ارتقای سطح امنیت انسانی در جامعه منجر می‌شود. زیرا یکی از ابعاد امنیت انسانی آن گونه که بیان شد، امنیت فردی است و میزان جرم و جنایت و بزهکاری در جامعه ارتباط مستقیم با امنیت افراد در جامعه دارد.

1. Hirschi
2. Durkheim

همچنین، می‌توان از ارتباط مستقیم میان کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش جرائم و آسیب‌های اجتماعی و به تبع آن، کاهش ضریب امنیت انسانی نیز سخن گفت؛ بدین ترتیب، جایگاه و ارزش امنیت انسانی در هر جامعه‌ای و کاهش آسیب‌های اجتماعی و سطح ارتکاب بزه و جرم در آن، رابطه مستقیم با میزان سرمایه اجتماعی و تمایل افراد برای حضور در شبکه‌های اجتماعی خواهد داشت. به هر میزان افراد در جامعه از امنیت فردی برای حضور در شبکه‌های اجتماعی برخوردار باشند و هر چه میزان اعتماد آنان نسبت به تقویت جایگاه سرمایه اجتماعی در جهت تقلیل سطح آسیب‌های کیفی در جامعه افزایش یابد، میزان سرمایه اجتماعی آن جامعه نیز، ارتقا خواهد یافت. زیرا عناصر اصلی سرمایه اجتماعی را هنجارها، اعتماد و شبکه‌های اجتماعی تشکیل می‌دهند و اگر میزان اعتماد به نقش هنجارها در جامعه پایین رود و جرم و بزه در جامعه رواج می‌یابد و سرمایه اجتماعی نیز کاهش می‌یابد، که خود به صورت متقابل موجب کاهش امنیت انسانی در آن جامعه خواهد شد.

اعتماد و حس امنیت

در کنار ابعاد عینی امنیت، امنیت ابعاد ذهنی نیز دارد. یکی از ابعاد امنیت علاوه بر بُعد عینی، بُعد ذهنی آن یعنی همان مفهوم حس امنیت است. احساس امنیت به معنای در امان حس کردن جان و مال و ارزش‌های خود از تهدید، صدمه، آسیب و نبود دغدغه تأمین نیازهای معقول در حال و آینده است. اعتماد، به مفهوم درجه‌ای از شناخت و اطمینان نسبت به غیر (از نظر شخصیت، جایگاه و نقش اجتماعی) است که زمینه‌ساز روابط متقابل اجتماعی آسان‌تر، سریع‌تر و هدفمندتر است (محسنی تبریزی و شیرعلی، ۱۳۸۸، ص ۶۳)، و از این منظر، اعتماد، دستیابی به اهداف فردی و جمعی را تسهیل می‌کند و ضریب موفقیت را ارتقا می‌دهد. ون دس^۱ در این زمینه می‌گوید: «سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه اجتماعی، تصمیمی است که در پی ارزان کردن هزینه‌های معامله و توافق میان همه طرفین در یک شبکه واحد گرفته می‌شود. زیرا در فضایی که توأمان با

1. VanDeth

اعتماد متقابل باشد، منابع کمتری برای استحکام تضمین‌های متقابل نیاز است» (ابوالحسنی، ۱۳۹۲، ص ۷۲). بر اساس تعریف فوکویاما از سرمایه اجتماعی که آن را نوعی توانایی می‌داند که از گسترش اعتماد در یک جامعه یا بخش‌هایی از آن ناشی می‌شود (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۲۶)، یکی از شاخص‌های احساس امنیت در جامعه، میزان اعتماد افراد است. در واقع، میان اعتماد و حس امنیت رابطه معنادار و متقابلی وجود دارد.

در نتیجه، باتوجه به اینکه حس امنیت در یک جامعه، یکی از آثار و نشانه‌های تأمین امنیت انسانی در آن جامعه است، می‌توان به نقش سرمایه اجتماعی در این زمینه اشاره کرد، زیرا یکی از منابع اصلی ایجاد حس امنیت در جامعه، به وجود آمدن اعتماد متقابل است. در سراسر مبادلات و روابط اجتماعی، اعتماد به عنوان تسهیل‌کننده روابط، چرخه کنش‌های اجتماعی را راحت‌تر به حرکت در می‌آورد. افراد مختلف جامعه در گروه‌های مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به حس امنیت دارند و آن را با توجه به نظام اقتصادی، سطح بهداشت و آمار جرائم در جامعه، تفسیر می‌کنند. یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که حس امنیت در جامعه را ایجاد می‌کند، سرمایه اجتماعی است که با عنصر اعتماد، این نقش را ایفا می‌کند. احساس امنیت در ابعاد نظیر حس امنیت جهانی، مالی و سیاسی، شناسایی شده است که عناصر سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، با ایجاد حس همکاری در بین مردم، صادقانه بودن رفتارهای روزانه مردم نسبت به همدیگر، داشتن صراحت کلام، با دیگران مانند خانواده خود رفتار کردن، یکی بودن ظاهر و باطن، شراکت در کارها، اعتماد به همسفریان و داشتن صداقت با دوستان، موجب تقویت حس امنیت در افراد جامعه می‌شود.

بر این اساس، حس امنیت در جامعه، رابطه مستقیم با میزان اعتماد در جامعه که یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی است، دارد. بنابراین، هرچه میزان سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای به ویژه در بُعد اعتماد افزایش یابد، حس امنیت در جامعه، به صورت چشمگیری بالا می‌رود و حس امنیت، خود باعث ارتقای امنیت انسانی می‌شود. در واقع، حس امنیت یکی از ابعاد امنیت

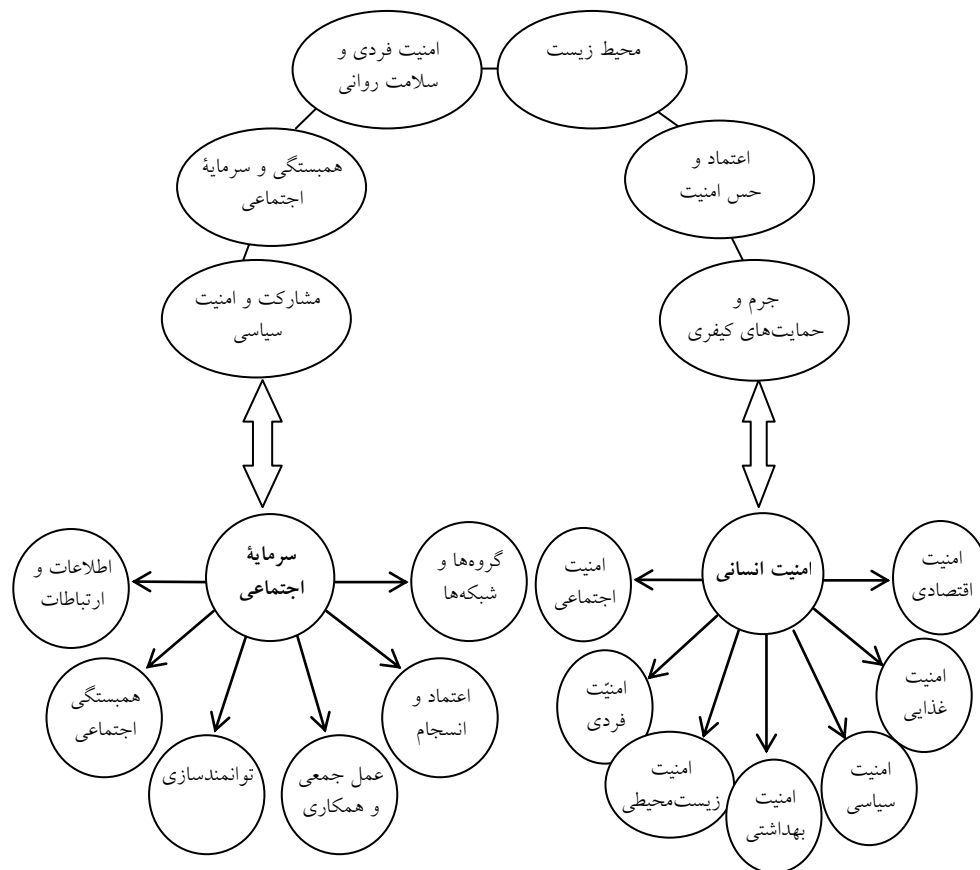
فردی و از آثار تأمین آن است که مؤلفه بااهمیتی برای جامعه توسعه یافته و برای تأمین امنیت انسانی است. به صورت متقابل نیز، بدیهی است که هر چه میزان حس امنیت در جامعه نیز بالا رود، سرمایه اجتماعی آن جامعه افزایش می‌یابد و با افزایش حس تعلق و اعتماد میان اعضای جامعه، شاهد رشد فزاینده سرمایه اجتماعی خواهیم بود.

نتیجه

رویکرد امنیت انسانی که در پی تأمین امنیت همه افراد در هر جایی که باشند و تلاش در جهت بنیان جوامعی با اولویت امنیت افراد است، همان‌طور که بیان شد، پارادایمی نوین و مؤثر در اتخاذ سیاست‌های کلی دولت‌ها و جوامع است و بنا بر نظر نظریه‌پردازان این حوزه در هفت بُعد اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، فردی، اجتماعی و سیاسی قابل شناسایی است. به صورت موازی با آن مفهوم سرمایه اجتماعی نیز رویکردی به نسبت جدید در مفاهیم جامعه‌شناختی برای تشخیص و شناسایی رشد جوامع در جهت پایداری و ثبات اجتماعی و بررسی اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی در جوامع است. با بررسی و شناخت هر دو مفاهیم می‌توان از نظر مفهومی آن‌ها را قیاس کرد، ولی آنچه در این مقاله بررسی و تحلیل شد، میزان تأثیرگذاری و رابطه متقابل و عملی هر یک از این مفاهیم بر دیگری است.

از لحاظ عملی و در عرصه اجتماع، امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی در شش حوزه همبستگی و امنیت اجتماعی، سلامت روانی و امنیت فردی، محیط زیست، مشارکت و امنیت سیاسی، جرم و حمایت‌های کیفی، اعتماد و حس امنیت بر یکدیگر آثار متقابل دارند. در پارادایم امنیت انسانی، امنیت اجتماعی به معنای تأمین امنیت مادی و معنوی فرد در جامعه به واسطه جلوگیری از تهدیدات هویتی و قومی بر اثر مدرنیزاسیون، خصومت‌های نژادی و سوءرفتار با اقلیت‌ها است و همبستگی به صورت مستقیم بر امنیت اجتماعی گروه‌های اجتماعی و هویتی تأثیرگذار بوده و با افزایش همبستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی افزایش است. اعتماد نیز در مقام تسهیل‌کننده روابط، چرخه کنش‌های اجتماعی را راحت‌تر به حرکت در می‌آورد و موجب افزایش امنیت فردی، حس امنیت و همچنین، حفظ سلامت روانی اعضای جامعه و ارتقای امنیت بهداشتی می‌شود. همچنین، اعتماد

و همبستگی اجتماعی در کنار یکدیگر به کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرائم و در نتیجه به کاهش آثار زیانبار آن‌ها و افزایش امنیت انسانی در جوامع یاری می‌رسانند و کاهش آسیب‌های اجتماعی نیز متقابلاً به افزایش سرمایه اجتماعی در ابعاد اعتماد و همبستگی می‌انجامد. شبکه‌های اجتماعی دیگر عنصر سرمایه اجتماعی علاوه بر آن‌که مشارکت اجتماعی را تسهیل می‌کنند و از این طریق امنیت سیاسی جوامع را افزایش می‌دهند، در کاهش مخاطرات زیست‌محیطی مؤثر بوده و امنیت زیست‌محیطی را افزایش می‌دهند. در نتیجه، می‌توان از رابطه مستقیم، هم‌افزاینده، متقابل و درهم‌تنیده امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی سخن گفت.



شکل ۱. مدل مفهومی مؤلفه‌های پیونددهنده سرمایه اجتماعی و امنیت انسانی

منابع و مأخذ

۱. ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۹۲). کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی و سیاست، فصل‌نامه سیاست جهانی، دوره ۲، شماره ۴، صفحات ۸۷-۶۹.
۲. امیرخانی، طیبه، و عارف‌نژاد، محسن (۱۳۹۱). تحلیل تأثیر رفتار شهروندی سازمانی و سرمایه روان‌شناختی بر سرمایه اجتماعی. فصل‌نامه علوم مدیریت ایران، سال ۷، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۱، صفحات ۸۹-۱۱۲.
۳. باقری زنور، بهارک، و علمی، محمود (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نشانه‌های آسیب‌شناختی روابط اجتماعی در ایران. مطالعات جامعه‌شناسی، سال ۲، شماره ۵، صفحات ۱۳۸-۱۲۵.
۴. بورقانی فراهانی، سهیلا (۱۳۹۱). رادیو، سرمایه اجتماعی و همبستگی اجتماعی. ماهنامه علمی- تخصصی رادیوی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۰، شماره ۶۰، صفحات ۲۰-۱۲.
۵. پاتنام، رابرت (۱۳۹۲). دموکراسی و سنت‌های مدرن. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
۶. تقی‌لو، فرامرز (۱۳۸۵). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی. فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال ۹، شماره ۲، پیاپی ۳۲، صفحات ۲۵۷-۲۳۹.
۷. توسلی، غلام‌عباس، و امانی کلاریجانی، امرالله (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی (سرمایه اجتماعی شبکه). مجله مدیریت فرهنگی، سال ۶، شماره ۱۷، صفحات ۷۰-۵۵.
۸. تونکیس، فران، و همس، لزل (۱۳۸۷). اعتماد و سرمایه اجتماعی. ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۹. خضری، محمد (۱۳۸۵). دولت و سرمایه اجتماعی. فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال ۹، شماره ۳۱، صفحات ۵۱-۳۲.

۱۰. خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی میزان احساس امنیت و چگونگی مشارکت مردم در برقراری امنیت. *نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره‌های ۱۶۲ و ۱۶۳، صفحات ۱۵۵-۱۴۸.
۱۱. درانی، کمال، و رشیدی، زهرا (۱۳۸۷). بررسی تعاریف، مفاهیم و چگونگی ایجاد سرمایه اجتماعی (با تأکید بر اعتماد اجتماعی). *مهندسی فرهنگی*، سال ۲، شماره‌های ۱۷ و ۱۸، صفحات ۱۹-۸.
۱۲. دلپسند، کامل، ایار، علی، خانی، سعید، و محمدی، پریشان (۱۳۹۱). حمایت اجتماعی و جرم: مطالعه تطبیقی جوانان مجرم و عادی شهر ایلام، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، سال ۱، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۲، صفحات ۱۲۰-۸۹.
۱۳. رهامی، روح‌الله (۱۳۹۳). *امنیت انسانی و دولت، رهایی از ترس، رهایی از نیاز در دولت اجتماعی توسعه‌گرا*. تهران: نشر میزان.
۱۴. رهبر قاضی، محمودرضا، گشول، سعید، عربیان، حسین، و آشتیانی، سهیلا (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی مشارکتی. *فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، دوره ۴، شماره ۴، صفحات ۱۲۲-۱۰۱.
۱۵. زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی: بستری برای اعمال کفرهای اجتماع‌محور در ایران. *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۶۴، صفحات ۵۴-۳۳.
۱۶. سلطانی، طاهره، و جمالی، مژده (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت روانی: مورد مطالعه دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز. *نشریه فرایند مدیریت و توسعه*، شماره‌های ۶۸ و ۶۹، صفحات ۱۲۱-۱۰۸.
۱۷. علیوردی‌نیا، اکبر، شارع‌پور، محمود، و ورمزیار، مهدی (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری. *مجله پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۲، صفحات ۱۳۲-۱۰۷.
۱۸. غفاری، غلامرضا، و اونق، نازمحمد (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۸۵، صفحات ۱۵۹-۱۹۹.

۱۹. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
۲۰. فیلد، جان (۱۳۸۶). *سرمایه اجتماعی*. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر.
۲۱. کلمن، جیمز (۱۳۸۴). نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی. *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، به کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
۲۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴). *سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوایی*. ترجمه صادق صالحی و شعبان محمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات آگه.
۲۳. نظری، علی‌اشرف، و سازمند، بهاره (۱۳۸۹). توسعه و امنیت انسانی: امنیت انسانی به‌عنوان محور توسعه. *دوفصل‌نامه پژوهش سیاست*، سال ۱۲، شماره ۲۸، صفحات ۴۰-۱۷.
۲۴. نعمت‌اللهی، زهرا، فرج‌اللهی، امیرحمزه، میرجلیلی، محمدحسین، و مؤمنی‌فرد، حسین (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی). *مدیریت نظامی*، شماره ۵۰، سال ۱۳، صفحات ۲۰۲-۱۷۵.
۲۵. نوغانی، محسن، و اصغری‌پور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی. *نشریه فرایند مدیریت و توسعه*، شماره‌های ۶۸ و ۶۹، صفحات ۶۲-۵۵.

26. Adam, F., & Borut, R. (2003). Social capital: Recent debates and research trends. *Social Science Information*, 42, 155-183.
27. Baker, W. (1990). Market networks and corporate behavior. *American Journal of Sociology*, 96, 589 – 625.
28. Bourdieu, P. (1997). *The forms of capital*. London: Oxford University Press.
29. Portes, A. (1998). Social capital: its origins and applications in modern sociology. *Annual Review of Sociology*, 24, 1-25.
30. Putnam, R. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy*, 6, 65-78.
31. Tadjbakhsh, Sh. (2005). *Human Security: Concepts and implications*. London and New York: Routledge.